نه آنان و نه پدرانشان به این [ادّعا] دانشى ندارند. بزرگ سخنى است که از دهانشان برمى‌آید. [آنان‌] جز دروغ نمى‌گویند. (5) شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیرى [کار]شان تباه کنى. (6) در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیورى براى آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند. (7) و ما آنچه را که بر آن است، قطعاً بیابانى بى‌گیاه خواهیم کرد. (8) مگر پنداشتى اصحاب کهف و رقیم [=خفتگان غار لوحه‌دار] از آیات ما شگفت بوده است؟ (9) آنگاه که جوانان به سوى غار پناه جستند و گفتند: «پروردگار ما! از جانب خود به ما رحمتى بخش و کار ما را براى ما به سامان رسان.» (10) پس در آن غار، سالیانى چند بر گوشهایشان پرده زدیم. (11) آنگاه آنان را بیدار کردیم، تا بدانیم کدام یک از آن دو دسته، مدت درنگشان را بهتر حساب کرده‌اند. (12) ما خبرشان را بر تو درست حکایت مى‌کنیم: آنان جوانانى بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم. (13) و دلهایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که [به قصد مخالفت با شرک‌] برخاستند و گفتند: «پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. جز او هرگز معبودى را نخواهیم خواند، که در این صورت قطعاً ناصواب گفته‌ایم.» (14) این قوم ما جز او معبودانى اختیار کرده‌اند. چرا بر [حقّانیّت‌] آنها برهانى آشکار نمى‌آورند؟ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد؟ (15)